

تجلی مفاهیم صوفیانه، حکمی و فلسفی در اشعار خاقانی و متنبی

احمدنور وحیدی

استادیار زبان و ادبیات فارسی مجتمع آموزش عالی سراوان

چکیده:

خاقانی و متنبی از شاعران برجسته زبان و ادبیات فارسی و عربی هستند. اشعار این دو شاعر هم در زمینه مفهوم و هم شگردهای زبانی و بیانی شاهکار محسوب می شود. مفاهیمی از قبیل مدح، تفاخر، شکواییه، عتاب، حکمت، فلسفه، عرفان و تصوف و... در دیوان این دو شاعر دیده می شود. هدف این تحقیق، بررسی مفاهیم صوفیانه و حکمی و فلسفی خاقانی و متنبی و مقایسه ی آنها با هم است. روش این تحقیق به صورت تحلیلی - توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای است. بر اساس مطالعات انجام شده می توان گفت هیچ کدام از دو شاعر فوق در زمره شاعران متصوف نمی توان جا داد ولی هر دو از ابیاتی که در بردارنده مفهوم عرفانی و تصوف باشد برخوردارند. خاقانی در این زمینه ابیات بیشتری دارد. اما در زمینه حکمت باید گفت که متنبی حکیمانه های بیشتری دارد. خاقانی به فلسفه علاقه چندانی ندارد و آن را فلس می خواند بر خلاف وی، متنبی گاهی اوقات شعرش را به فلسفه نزدیک می کند تا جایی که برخی از منتقدین در این باره بر وی خرده گرفته اند.

کلید واژگان: خاقانی، متنبی، حکمت، فلسفه، تصوف